[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-24]

پدیدار شناسی مسکن روستایی[۱]

محسن سرتیپی پور *

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۹/۰۸/۱۷
تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۸۹/۱۲/۰٤

چکیده

طرح‌های مسکن که امروزه تهیه می‌شود به‌رغم برخورداری از برخی ارزش‌های ممکن، به دلیل بی توجهی نسبت به مفهوم مسکن در تقابل با زندگی و محیط اطراف قرار گرفته و در حالت مطلوب، نقایص و کاستی های خود را از طریق آزمون و خطا برطرف می‌نماید. در حالی‌که مسکن معاصر در چنین مسیری گام بر می‌دارد، مسکن بومی به خوبی به اصالت زندگی و پتانسیل های محیطی آگاه بوده و به‌جای بی توجهی به نیازهای زندگی و مبارزه با متغیرهای جغرافیایی، در هماهنگی با آن شکل گرفته است. مصداق‌های خوب این نوع معماری را می توان در خانه‌های روستایی مشاهده نمود. این معماری که دارای اصول نسبتاً ثابت و پایداری است به‌راحتی دستخوش دگرگونی قرار نمی‌گیرد و تغییرات آن اغلب بطئی، درونی و در طول دوره های زمانی نسبتاً طولانی صورت گرفته است. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های معماری روستایی توجه به طراحی منطبق با نیازهای فطری مردم و محیط و فعالیت های روزمره آنان مانند نوع فضاهای معیشت مردم است. مصداق‌های معماری از همنشینی فضاهای زیستی و معیشتی در این نوع مسکن عمق توجه نسبت به زندگی مردم و نیازهای آن‌هاست که فضای کالبدی را با داستان زندگی مردم هماهنگ و آن را ایجاد نموده است. چنین نگاهی به زندگی و توجه به نیازها و هماهنگی با محیط طبیعی منجر به شکل گیری اشکال مختلف مسکن به صورت چادر، آلاچیق و مسکن موسمی یا دائم شده است. معماری روستایی اعم از مسکن، یا معماری فضاهای عمومی مانند آب انبارها، یخچال ها، آسیاب های آبی و بادی، کفتر خان‌ها (برای حاصلخیزی و رشد گیاهان)، بندها و ... مصادیق بارزی از کتاب زندگی مردم است که همچون دایره المعارفی بزرگ نشان دهنده جهان بینی و چگونگی دانش سازندگان آن است. توجه به روستا و مسکن روستایی و معماری نشات گرفته از فطرت انسانی آن و فضای طبیعی و بستری که در آن شکل گرفته، امروزه نیز می تواند راهگشا و راهنمای معماران در طرح مسکن روستایی باشد. اما آغاز چنین رهیافتی مستلزم پدیدارشناسی مسکن روستایی و رجوع دوباره به چیستی و چرایی آن است. چنین فرایندی گام مهمی در مسیر شناخت، درک و احاطه به موضوع محسوب می‌شود که می‌تواند در تبیین اصول و معیارهای مسکن مطلوب روستایی اثرات مثبتی داشته باشد .

واژگان کلیدی: پدیدار شناسی، سرپناه، مسکن، سکونت، خانه روستایی، فضای معماری.

---

* دانشیار گروه معماری دانشکده معماری و شهرسازی و عضو هسته پژوهشی معماری روستایی دانشگاه شهید بهشتی.
– این مقاله برگرفته از طرح گونه شناسی مسکن روستایی استان مرکزی است که با پشتیبانی معاونت پژوهشی دانشگاه شهید بهشتی در هسته پژوهشی معماری روستایی دانشکده معماری و شهرسازی تهیه شده است. همچنین قسمت‌هایی از مقاله با تکیه بر طرح پژوهشی مسکن در روستاهای ایران است که طی سالهای ۸۷–۸٤ توسط نگارنده در بنیاد مسکن انقلاب اسلامی انجام شده و نتایج آن در کتاب خانه‌های روستایی ایران در سال ۱۳۸۹ به چاپ رسیده است.

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-24]

مقدمه

دشوارترین وظیفه معماری پیش بینی و اطلاع از نحوهٔ استنباط و استفاده کاربران از فضا، پیش از ساخت آن است. هر چند چنین آگاهی در ظاهر می‌تواند به صورت امری ساده تلقی شود اما شناخت و پیش‌بینی درست و سازگار، کاری مشکل است. این موضوع به‌ویژه در مورد گروه‌های مختلف قومی یا گروه هایی که با تفکرات و سلیقه های متفاوت به‌صورت روزافزون در حال افزایش‌اند و امروزه معماران برای آن‌ها طرح تهیه می‌کنند صادق است. طراحی ساختمان حتی برای مردمی که زمینه‌ای مشابه با نیازها و علایق معمار دارند، به حد کافی سخت است و چنانچه این امر برای گروه‌هایی با زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی متفاوت باشد و معمار بخواهد رضایت آن‌ها را از طرح فراهم آورد بسیار مشکل‌تر خواهد شد. اگر معمار بکوشد فکر آن‌ها را بخواند یا از طریق القاء با آن‌ها ارتباط برقرار کند، احتمالاً به خطا می‌رود. شاید او علایق، نیازها و هنجارهای محیطی و معیارهایی را به آن گروهها نسبت دهد که در واقعیت دارای آن نباشند. احتمال دارد فضاهایی را طراحی کند که در بهترین حالت با تمایلات باطنی استفاده کنندگان، سازگار و در بدترین حالت، برای آنان غیر قابل تحمل باشد. طرح های جابجایی سکونتگاه‌های شهری و روستایی سانحه دیده که بسیاری از واحدهای مسکونی آن‌ها مورد استقبال قرار نگرفته یا بلااستفاده باقی مانده و همچنین برخی طرح های انبوه سازی که مورد استقبال قرار نگرفته و یا چنانچه از آن ها استفاده شده از سر اجبار و همراه با انجام تغییراتی بوده از مصادیق بارز چنین طراحی‌هایی است. بنابراین باید اذعان نمود محیطهای معماری، بدون درک معنا و منظور آن، نمی‌تواند مورد استفاده قرار گیرد.

طرح مسکن از این قاعده مستثنی نیست. یک معمار طرز برداشت، درک و استفادهٔ کاربران روستایی یا شهری را چگونه پیش‌بینی می‌کند؟

اکثر پروژه‌های اجرا شده مسکن چه در شهرها و چه در روستاها حاکی از سقوط احساس درونی یا عدم همفکری معماران با نیاز سکونتی مردم است. باید توجه داشت اهمیت این مسئله و راه حل آن با انبوه سازی شروع و خاتمه نمی‌یابد. روی هم رفته، با احتساب تعدد پروژه‌ها و تجارب ناموفق، حجم عظیمی از زمان و انرژی از دست خواهد رفت و به همین میزان نیز احساس رضایت شخصی افراد نسبت به زندگی از بین رفته و به جای آن حسّ ناامنی و عدم آسایش ایجاد می‌شود و در بعضی موارد باعث تغییر رفتارها و از بین رفتن ساختار زندگی می‌گردد.

کافی است بدانیم این مشکل در موارد بسیاری به این سبب پیش می‌آید که استفاده کننده همان معنا و برداشتی را که معمار از فضای معماری داشته، بدان نسبت نمی‌دهد و منظور از آن را درک نمی‌کند. پس از چه راههایی می‌توان معنای زندگی را وارد معماری کرد؟ یک طراح معمار برای اینکه زمینه را جهت درک درست زندگی روستایی و پیش بینی آن تنظیم کند، چه درک نظری از معنای معماری روستایی باید داشته باشد؟ سؤالات مذکور می‌تواند از منظر علوم و دانش مختلف مورد بررسی و به پاسخ های زیادی برسد اما بی شک یکی از این پاسخ ها از طریق بررسی مفاهیم و معنای روستا، خانه و مسکن روستایی است. با این فرض پدیدارشناسی مسکن روستایی به عنوان یکی از راه‌های پیش رو برای یافتن معیارها و ویژگی‌های مسکن مطلوب است که هدف این مقاله قرار گرفته است.

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-24]

روش‌شناسی تحقیق

با توجه به افزایش جمعیت کشور طی سال های اخیر و ضرورت تأمین مسکن برای ۲۳ میلیون نفر جمعیت روستایی ساکن در آن، تأمین مسکن مناسب و متناسب با نیازهای جامعه روستایی مسئله مهمی است که باید مورد توجه قرار گیرد. اما در کنار اقدامات عملی و طرح های پژوهشی انجام شده، چیستی و چرایی وجود و دلایل شکل‌گیری مسکن روستایی کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

این مقاله که برگرفته از طرح پژوهشی "گونه شناسی مسکن روستایی استان مرکزی" است مسئله مسکن روستایی را از نگاه پدیدارشناسانه در واژه های سرپناه، خانه، مسکن روستایی، روستا و فضای معماری مورد توجه قرار می دهد.

روش تحقیق توصیفی- تحلیلی و مبتنی بر مطالعات مکتوب و کتابخانه‌ای و جمع آوری مونوگرافی‌های موجود در مرکز اسناد دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی، پژوهش های روستایی؛ و مشاهدات میدانی نگارنده و گروه پژوهش از روستاهای استان مرکزی و سایر روستاهای کشور است که از طریق قیاس و استقرا جمع بندی و در قالب این مقاله ارائه شده است.

پدیدار شناسی

پدیدار شناسی[۲] از ریشه‌ای یونانی به معنای نمایش دادن و نشان دادن اخذ شده است. واژه پدیده[۳] در فرهنگ وبستر به معنای " یک شیء یا جنبه و نمود شناخته شده از طریق حواس، نه از طریق تفکر" آمده است. پدیده معمولاً با اصطلاح معقولات به معنای " آنچه به وسیله تفکر دریافت می‌شود" در تقابل است. پدیده چیزی است که بر کسی ظاهر می‌شود یا خود را نشان می‌دهد، اما پدیده شناسی ، چیزی بیش از توصیف آن چیزی است که بر کسی ظاهر می‌شود. (پرتوی ۱۳۸۷)

برای تعریف ماهیت یک چیز، باید در پی یافتن نوعی ارتباط یا ساختار باشیم که در میان تعدادی از موقعیتهای مرتبط به طور ثابت و لایتغیر باقی می‌ماند. هدف اصلی پدیدار شناسی، بررسی، تحقیق و شناخت مستقیم و بی واسطه پدیده ها و بازگشت به سوی خود اشیاء است. (پرتوی ۱۳۸۷)

روش پدیدار شناسی به ما کمک می‌کند به دنیایی که پیش از مفهوم سازی‌های ما وجود داشته است، دست یابیم و واقعیت را دوباره کشف کنیم. پدیدارشناسی به دنبال آن است تا تجربه‌های اصلی را آن گونه که هستند، منعکس نماید و به همین دلیل به آنچه در ورای ظواهر زندگی روزمره قرار دارد، نظر می‌کند.

پدیدارشناسی با پذیرش غیر قابل انفکاک بودن انسان و جهان توجه اصلی و مرکزی خود را معطوف به شناسایی روشی می‌نماید که انسان‌ها در ارتباط و تعامل با دنیای خاص زندگی خود دنبال می‌نمایند.

سرپناه و پیشینه تاریخی آن

بررسی سوابق تاریخی، آثار و قراین سکونتگاه‌های باقی مانده در دشت‌ها و دامنه کوه‌ها از دوره ما قبل تاریخ نشان می‌دهد که اولین ساکنان نجد ایران در غارهایی که عمدتاً طبیعت آن ها را برای انسان به‌وجود آورده بود پناه می‌گرفتند. فضای اسکان در این نوع سکونتگاه‌ها حکم "سرپناه" را داشت. به این اعتبار سرپناه را می‌توان به معنی فضایی دانست که انسان در آن پناه می گیرد تا حداقل ایمنی در برابر عوامل محیطی و جوی را برای انسان به‌وجود آورد. در این دوران انسان گاه در پاسخگویی به نیازهای فطری و برآمده از درون به تزئین دیوار غارها می‌پرداخت. پیدایش اولین سرپناه‌های انسان ساخت در ایران را می توان مقارن با پیدایش اولین نشانه‌های یکجانشینی در حدود ۶۰۰۰

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-24]

سال پیش از میلاد دانست. در این زمان انسان‌های ساکن در کوه‌ها و غارها کم کم به سمت دشت‌های حاصلخیز نزدیک شدند (سرتیپی‌پور، ۱۳۸۸) و بر پا نمودن اولین سرپناه ها را تجربه نمودند.

انقلاب کشاورزی و پرورش دام با تحولی که در شیوه زندگی پدید آورد؛ تغییرات بنیادینی در فعالیت ها و رفتارهای انسان به‌دنبال آورد. زندگی کشاورزی نیازمند حضور دائم در محل و زندگی مبتنی بر پرورش دام نیازمند جستجوی مراتع به منظور تعلیف دام ها بود و این مستلزم شکل گیری اجتماعات انسانی بود. اما هنوز فاصله زیادی میان این فضاها تا شکل گیری فضای "خانه و مسکن" وجود داشت.

چنین فضاهایی را به صرف اینکه بستر زندگی مردم آن روزگار به شمار می‌آمدند؛ نمی‌توان «مسکن» انگاشت. اما شیوه زندگی یکجانشینی مفهوم خانواده را کامل و باعث شکل گیری هویت طایفه ای، خانوادگی و فردی برای انسان شد.(آرام و دیگران، ۱۳۷۸) با شکل گیری چنین تحولاتی در زندگی آدمی، دیگر جستجوگری صرف در قابلیتهای محیط برای تامین سرپناه و فضای اقامت، پاسخگوی نیازهای او نبود و دخالت در محیط برای انطباق آن با خواسته‌های جدید ابعاد دیگری پیدا کرد. پیدایش مس در BC ۵۰۰۰، برنز BC ۳۰۰۰ ، و آهن BC ۱۸۰۰ (سرتیپی پور، ۱۳۸۸) و امکانات این مواد برای تهیه ابزار، تسلط بشر بر محیط را افزایش داد و به دنبال آن به خدمت گرفتن فنون جدید شیوه های معیشت نیز بهبود یافت و اندیشه فراهم آوردن مکانی ثابت شکل گرفت که به توسعه کیفیت سکونت و معیشت منجر شد. نیاز به داشتن حریمی برای حفظ حیات و هویت اجتماعی، خانوادگی و فردی و مقتضیات معیشت عواملی بودند که عرصه عملکرد و معنا را به محل اقامت انسان وارد نمود و باعث شد تا فضا، نقشی فراتر از «سرپناه» و «اقامتگاه» پیدا کند. از این پس انسان، نه تنها به منظور مصونیت از خطرات محیط و یا اقامت واستقرار، نیازمند فضا و مکان بود بلکه نیازمند جایی برای اسکان و سکونت در آن شد.

مسکن کردن و سکونت

سکونت از ریشه ُسکْن َ به مفهوم آرام و قرار است. واژه های هم خانواده سکونت شامل مُسَکّن (آرام بخش)، تسکین (دلداری دادن و آرام کردن)، ساکن (کسی که در جایی قرار و آرام گرفته است)، سکونت (استقرار در مکانی که فراتر از مسکن است و در حد مفهوم فضایی محله، روستا و شهر)، اسکان (مستقر کردن، مستقر شدن)، مسکون (ساکن شده، مستقر شده)، مسکونی (مکانی که در آن خانواده یا افرادی ساکن هستند)، سکینه (اسم مؤنث، کسی که آرام و قرار دارد)، و مَسکَن (اسم مکانی که در آن گروه و خانواری ساکن هستند) می‌باشند. مهم‌ترین واژه‌های مترادف مسکن در ادبیات ایران شامل سرپناه، خانه، سرا، منزل، بیت، اطاق، چادر، خیمه، آلاچیق، کلبه، سراچه، باب، بنا، خانه سرا، دار، کده(دهکده) و خان است.

از بررسی مفهوم دو واژه سرپناه و خانه که معادل مسکن در نظر گرفته شده می توان نتیجه گرفت مسکن دارای مفهومی محیطی است که معنایی فراتر از سرپناه و خانه دارد و در این مرتبه نیازمند ابزاری است که به پیوند بین زندگی، خانواده و محیط منجر شود.

سکونت کردن رابطه‌ای است که توسط فعالیت خودآگاه و هدفمند انسان، میان کارکردهای حیاتی وی مانند اقتضائات معیشتی، رفتارهای اجتماعی و حیات شخصی او و یک مکان برقرار می‌گردد. این رابطه ظهور مفاهیم بنیادینی چون قلمرو، فضای شخصی و قابل دفاع

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-24]

را به‌دنبال مـی آورد(لنـگ،۱۳۸۱) کـه نیازمنـد دخالـت در محیط و ایجاد فضا است. (تصویر شماره ۱)





ت ۱. روستای وفس از توابع شهرستان کمیجان (بالا)، و چلسبان از توابع شهرستان زرندیه (پائین) استان مرکزی.

بدین ترتیب، آغاز شکل‌گیری «مسکن» را می‌توان مقارن با زمانی دانست که انسان، دیگر به دنبال سرپناه نبود بلکـه باید آن را برپا می نمود.

دومـین اجـلاس اسـکان بشـر (۱۹۹۶) در اسـتانبول در نگاهی کمی، مسکن مناسب را چنین تعریف نموده اسـت: " مسکن مناسب تنها به معنای وجود یک سقف بالای سر هر شخص نیست بلکه به معنـی آسـایش، فضـای کـافی، دسترسی فیزیکی و امنیت، مالکیت، پایداری دوام سازه‌ای، روشنایی، تهویه و گرمـایش و سـرمایش مناسـب، وجـود تأسیسات زیر بنایی و خدماتی آب، برق، تلفن، بهداشـت، دفع فاضـلاب و زبالـه مناسـب، کیفیـت مناسـب زیسـت محیطـی، و موقعیـت مناسـب بـرای دسترسـی بـه کـار و تسهیلات اولیه می باشد که باید با توجـه بـه اسـتطاعت مالی مردم تأمین شود".

خانه روستایی

با گسترش یکجانشینی و شکل گیری تمدن و هویـت خانوادگی و فردی، رفته رفته مفهوم فضایی خانه شـکل گرفت و مفاهیمی چون قلمرو شخصـی، و فضـای امـن وارد عرصه زندگی انسان شد. چنـین نیـازی مقـارن بـا زمانی بود که انسان از مرحلـه تـأمین فضـا بـه صـورت سرپناه برای حفاظت به مرحله ای والاتر رسید و فضایی برای شکل‌گیری محور اصلی زندگی یعنی خانواده لازم داشت. چنین فضایی خانه بود که بلافصل‌ترین فضـای مرتبط با انسان محسوب می شود که به صـورت مـداوم بر رفتار وی تأثیر می‌گـذارد و اولـین جـایی اسـت کـه انسان احساس تعلق به فضـا را در آن تجربـه مـی‌کنـد. تنها مکانی که اولین تجربه‌های بـی واسـطه بـا فضـا در انزوا و جمع، خلوت با خود، همسر و فرزندان، دوستان و دیگران در آن صورت می‌گیرد، خانه است.

در حالیکه خانه مفهومی اسـت کـه بـه فضـای درون توجه و تأکید بیشتری دارد، واژه مسـکن بـر ارتبـاط بـا فضاهای بیرون بیشتر توجه می نماید. خانه قبـل از هـر چیز فضا و مکـانی درونـی اسـت. درونـی بـودن آن در رابطه با بیرون آن، کوچه و خیابان، رودخانـه و مزرعـه، گستره‌های بیرونی شهر و روستا، دریا و زمین و آسمان، طبیعت و جهان، و سرانجام همـه هسـتی معنـا و ارزش می یابد. شولتز معتقد است مهم‌ترین حسـن خانـه ایـن است که رویا را در خود می پروراند و به ما این امکـان را می‌دهد که در آرامش در تخیلات خود غـرق شـویم. (گاستون بشلار به نقل از نوبرری شولتز، ۱۳۸۱)

ارزش‌ها، تصورات، ادراکات و شیوه‌هـای زنـدگی بـه صورت مستقیم در خانه انعکاس مـی یابنـد. بـه همـین دلیل تفاوت در اشکال خانه‌هـا هـم ریشـه در تمـایزات

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-24]

شیوه زندگی و مقولاتی از قبیل تصور از زندگی مطلـوب، سازمان اجتمـاعی، مفهـوم قلمـرو، شـیوه بـرآورده کـردن نیازهای اساسی و ارتباط بـین سـکونت و الگـوی اسـکان دارد. (تصویر شماره ۲)

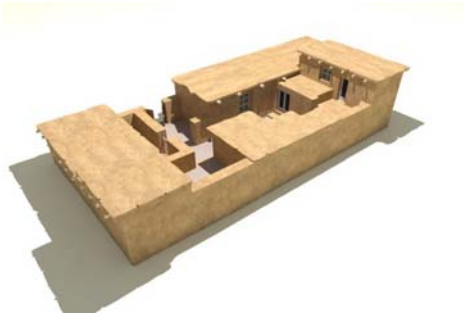

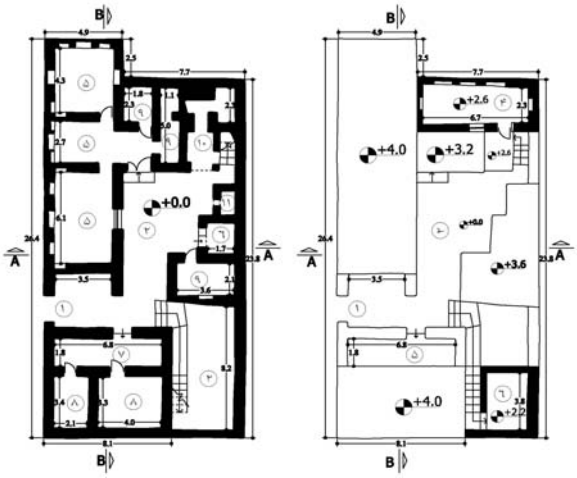

۱. ورودی
۲. حیاط
۳. ایوان
٤. مهمانخانه
٥. نشیمن
٦. مطبخ
۷. بهاربند
۸. آغل
۹. انبار
۱۰. طویله
۱۱. مرغدانی

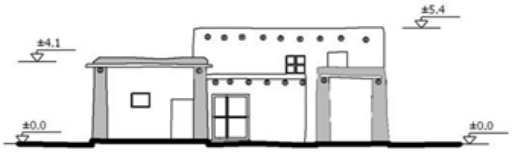

ت ۲. خانه با معیشت دامی و فروش لبنیات، روستای موسی آباد از توابع شهرستان آشتیان.

از منظر اجتماعی خانه پدیـده‌ای فرهنگـی اسـت کـه شکل و سازمان آن متعلق بـه فرهنگـی اسـت کـه بـدان تعلق دارد. حتی آن زمان که خانه بـرای بشـر اولیـه بـه عنوان سرپناه مطرح بود، مفهوم عملکـرد تنهـا در فایـده صرف یا عملکردی محـض خلاصـه نمـی‌شـد و وجـه سرپناهی خانـه بـه‌عنـوان وظیفـه ضـمنی ، ضـروری و انفعالی مطرح بـود و جنبـه مثبـت مفهـوم خانـه ایجـاد محیطی برای زندگی خانواده به عنوان واحـد اجتمـاعی بود. (راپاپورت، آموس، ۱۳۷٦)

انسان هویت فردی خود را در خانه بازیابی می‌نمایـد. یونگ در این باره، معتقد به حضور و تجلـی «خـود» در کالبد خانه است: من از آغـاز، خانـه را بـه مثابـه مکـان بلوغ، زهدانی مادرانه که در آن می‌توانم به سـوی آنچـه بودم، آنچه هسـتم و آنچـه خـواهم بـود؛ تحـول یـابم، احساس می‌کردم ... نشانه‌ای از جامعیـت روانـی ... مـن در بولینگن، در کانون زندگی حقیقـی‌ام قـرار دارم. مـن عمیقاً خودم هستم.(موگروئر. روبرت، ۱۳۸۰)

" هر مکانی که انسان در آن زندگی می کنـد بایـد بـا قصه‌ای شروع شود. اگر بخواهیم معماری خوبی داشـته باشیم باید به فطرت، نیاز و مسائل جزیی و کلـی توجـه کنیم. امروزه دیگر از فکر و مغز برای طراحی بنا استفاده نمی شود، در حالی‌که در روسـتاها و بناهـای روسـتایی اینگونه نیست." (راسـم بـدران، کارگـاه فهـم معمـاری ایران، پنجره ای به گرگان ۵-۸۹/۸)

مسکن بومی روسـتایی تصـویری از بسـتر و زنـدگی روزمره روستایی است که در خدمت شیوه ای خاص از فعالیت‌های انسانی (معیشت کشاورزی و دامداری) قرار دارد. خانه روستایی ارتباط عمیقی با محیط داشته، به آن وابسته اسـت و محـل سـکونت افـرادی اسـت کـه بـه فعالیت‌های تولیدی اشتغال دارند. (تصویر شماره ۳)

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-24]

بنابراین تأمل پیرامون مسکن و خانه متناظر با مفهوم «سکونت کردن» در مکانی خاص (آبادی) است. همانگونه که مسکن مفهومی فراتر از چارچوب خانه را دربر می‌گیرد، سکونت کردن هم معنایی فراتر از مسکن و رفع نیاز، و بیانگر برقراری پیوندی پرمعنا میان انسان و محیط است. می‌توان گفت: تمدن انسانی زمانی شکل گرفته که انسان مسکن گزیده و از این طریق هستی خود را در جهان تثبیت کرد و این خواسته مستلزم ارتباط میان عناصر مکان و فضا است.

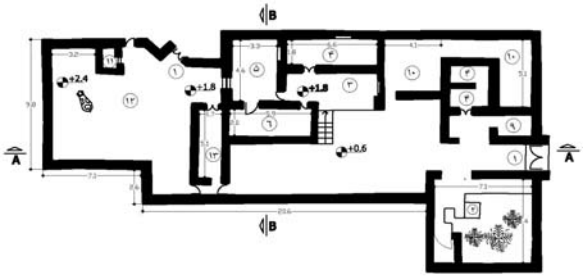

۱. ورودی
۲. حیاط
۳. ایوان
٤. مهمانخانه
٥. نشیمن
٦. آشپزخانه
۷. تنورخانه
۸. توالت
۹. انبار
۱۰. آغل
۱۱. چاله سیب زمینی
۱۲. حیاط دامی

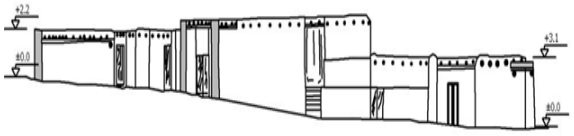

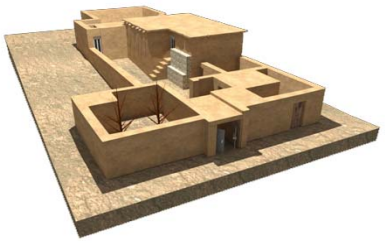

ت ۳. خانه با معیشت کشاورزی، روستای آجان از توابع شهرستان زرندیه.

روستا

آثار و بقایای بجای مانده از تمدن کهن ایران مانند شهر سوخته، تپه حصار و سیلک نشان دهنده زندگی مبتنی بر کشاورزی، دامداری و شکار است.از این مکانها می‌توان به‌عنوان محل اولین روستاهای ایران یاد کرد. ورود آریایی‌ها به ایران در حدود ۲۰۰۰ سال پیش از میلاد و فراگیری کشاورزی از بومیان، مراحل شکل گیری و گسترش تمدن را سرعت بخشید. گروهی به دلیل زندگی چادرنشینی در طی مهاجرت و مقتضیات جغرافیایی فلات ایران شیوه زیست مبتنی بر کوچ نشینی را دنبال کردند. در مناطقی که شرایط برای کشاورزی مساعد بود، اسکان دائم شکل گرفت و اولین سکونتگاه‌های روستایی به‌وجود آمد.

استقرار در مکان برپا می شود و مکان، بخشی از فضای جغرافیایی است که سطح و بعد دارد و توسط افراد، اشیاء و دیگر موجودات زنده اشغال شده است. از منظر سکونت، مکان بخش ویژه‌ای از فضا است که به صورت شهر، روستا، آبادی و مانند آن‌ها تبلور یافته است.

آنچه به‌عنوان آبادی از آن یاد می‌شود مشتمل بر انواع سکونتگاههای انسانی است و بر خانه، مزرعه، قلعه، کلاته، قریه، روستا، قصبه، شهرک و شهر شمول دارد. آبادی با آب و آبادانی همراه است و از لحظه‌ای آغاز می‌گردد که فرد یا گروهی از افراد، مکانی (بخشی از محیط پیرامون خود) را به‌عنوان بستر سکونت انتخاب نمایند. براین اساس، کلیت یک آبادی متأثر از ساختار مکان طبیعی و روابط میان ساکنان آن است که در برگیرنده ساختارها و عوامل مختلفی از جمله سنت، مذهب، معیشت و اعتقادات اهالی است.

واژه روستا در فرهنگ‌های فارسی به ده و قریه اطلاق شده است. ده واژه‌ای پارسی است که از دهیو به معنی سرزمین و کشور گرفته شده است. در دایره المعارف

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-24]

دهخدا روستا از ریشه رستن و روئیدن معنا شده است. در زبان پهلوی به روستا، روستاک، رسداق، رزداق و رستاق می گفتند که معنی وسیع‌تری از ده داشته است. در برخی از تعاریف در مورد روستا آن را محلی که فعالیت اغلب ساکنان آن وابسته به زمین مانند کشت و زرع باشد، ذکر کرده‌اند و این نشانه قائم به ذات بودن آن است، چون بدون کشاورزی این صفت را نمی‌یافته است. ده و قریه ممکن است برمبنای کشاورزی نباشد و ساکنان آن زارع، برزگر، کشاورز و دامدار روستایی نباشند و معیشت آنان مبتنی بر فعالیت‌هایی دیگر مانند خدمات، صنایع دستی، استخراج معدن، بهره وری از آب معدنی و صیادی استوار باشد ولی اگر این واحد معیشت با بهره وری از فضاها یا فعالیت‌های کشاورزی و مرتبط با آن نظیر باغداری، مزرعه داری، نخیلات، دامداری، پرورش طیور، پرورش زنبور عسل، پرورش ماهی، صید ماهی، شکار حیوانات و نیز صنایع دستی که مواد اولیه آن از گیاهان و حیوانات اهلی است، شکل گرفته باشد، روستا نامیده می‌شود.

در قرآن کلمه قریه و مشتقات آن شامل قریتک، قریتکم، و قریتنا در مجموع ۵۷ بار تکرار شده است. معنایی که در ترجمه های مختلف برای این واژه به کار گرفته شده عموماً دلالت به جایگاه و مکان زیست مردمان بدون در نظر گرفتن میزان جمعیت آن دارد. مفسرین و مترجمین قرآن کریم قریه را شهر، آبادی، دیه، ده و دیار ترجمه نموده اند که در تمام آن ها منظور محل و مکان اجتماعات انسانی است. الهی قمشه‌ای آن را دیار؛ محمد خواجوی، سید رضا سراج، محمد کاظم معزی، فولادوند، خرمشاهی و فیض الاسلام آن را شهر؛ جلال الدین مجتبوی و مکارم شیرازی آن را آبادی و شهر؛ محمود یاسری و صاحب محدث دهلوی آن را دیه‌ها ترجمه کرده‌اند. دیگر واژه‌هایی که برای سکونتگاه‌های انسانی در قرآن کریم بکار گرفته شده المدینه و المدائن، ۱۷ بار؛ بلد، بلده، بلدا، و البلاد مجموعاً ۱۹ بار؛ دار، دارکم، دارهم مجموعاً ۳۲ بار؛ الدیار، دیارکم، دیارنا، دیارهم مجموعا ۱۶ بار بوده است. مدینه بر وزن قبیله و بلد به معنی شهر و دار به معنی سرا، جایگاه و اقامتگاه معنی شده است. برای کامل شدن معنا و مفهوم قریه و روستا لازم است به تعریف واژه شهر نیز توجه شود. در تعریف شهر صرف نظر از تعاریف رایج مبتنی بر آستانه جمعیتی که اساساً ناقص محسوب می شوند، یکی از تعاریف کامل در مورد مفهوم شهر توسط احمد اشرف بیان شده و دیگران نیز همین مضمون را تکرار کرده‌اند. از نظر احمد اشرف شهر چه در دوران باستان و چه در دوره اسلامی پایگاه قدرت و جایگاه نظام اداری "شه‌پدری" (patrimonial) بوده است.

شهر را در زبان فارسی خشت گفته‌اند که به معنای پادشاهی(قلمرو پادشاه) بوده است. (اشرف، ۱۳۵۳) به این ترتیب تفاوت قریه یا روستا و شهر را می‌توان در استقرار دستگاه اداری و حکومتی در شهر اعلام کرد و در بقیه موارد وجه افتراق عمده‌ای بین آن‌ها مشاهده نمی‌شود. همچنین یکی دیگر از وجوه تفاوت عمده روستا با شهر را در غلبه فعالیت‌های کشاورزی و باغداری آن نسبت به سکونتگاه‌های دیگر است.

یکی از ویژگی سکونتگاه‌های شهری و روستایی این است که مرکز عمل آگاهانه و ارادی انسان‌ها هستند و به علت متفاوت بودن دیدگاهها و عمل مردم دارای ویژگی‌ها و هویت های متفاوتی می‌شوند. (مانند تفاوت ویژگی مکان‌ها و قلمروهایی که در اختیار اقوام مختلف کرد، آذری، بلوچ، لر و ... مشاهده می شود). مکان‌ها دارای ویژگی‌ها و خصایصی هستند که بازتاب ارزش‌ها، اهداف، فعالیت ها و روابط انسانی است که در ارتباط با عناصر طبیعی برقرار می‌شود. به همین دلیل فضا، طبیعت، انسان و فعالیت‌های اقتصادی- اجتماعی از

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-24]

عناصر تشکیل دهنده مکان می‌باشد. با توجه به تغییر دیدگاهها و ارزش ها و رفتار اجتماعی افراد، ویژگی‌های مکان نیز در طول زمان تغییر می‌یابد. از ویژگی‌های مکان ایجاد تعلق خاطر به واسطه نقش عملکردی و هویت خاص و مشخصی است که در آن‌ها وجود دارد و به همین دلیل است که تمامی افراد نسبت به مکان تولد و زندگی خود احساس تعلق و وابستگی می‌کنند. مکان، بستر شکل گیری فرهنگ و معماری و محل زندگی انسان‌هایی است که در طی زمان کالبد آن را به وجود آورده‌اند. (تصویر شماره ٤)

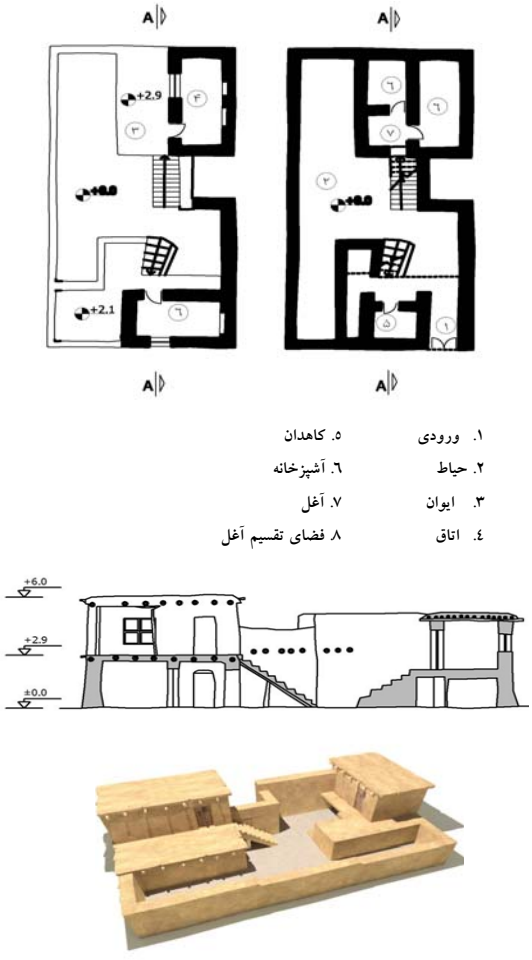

ت ٤. خانه با معیشت کشاورزی دامی، روستای چلسبان از توابع شهرستان زرندیه.

فضا

فضا مقوله‌ای بسیار عام است که تمام جهان هستی را پر و زندگی را احاطه کرده و به محیط حس راحتی و امنیت می‌بخشد. فعالیت هایی که انسان انجام می‌دهد نیاز به فضا دارد، بنابراین کارهای او دارای جنبهٔ فضایی است. برای این که بشر بتواند به تصورات و ذهنیات خود عینیت بخشد، باید روابط بین اشیاء و آنچه در محیط قرار گرفته درک کرده و آن‌ها را در قالب مفهومی فضایی هماهنگ نماید. بنابراین فضا صورتی جامع و دربرگیرندهٔ ارتباط، میان انسان‌ها با یکدیگر و محیط است.

فضا، واژه‌ای است که در زمینه های متعدد و رشته‌های گوناگون از جمله فلسفه، جامعه شناسی، معماری و شهرسازی به طور وسیع استفاده می شود و مفهوم آن از دیرباز مورد توجه اندیشمندان بوده است. تکثر کاربرد واژهٔ فضا به معنی برداشت یکسان از این مفهوم در تمام زمینه های فوق نیست، و توافق مطلقی در مورد تعریف فضا در مباحث علمی به چشم نمی‌خورد و این واژه از تعدد معنایی نسبتاً بالایی برخوردار است.

افلاطون هندسه را به عنوان علم الفضا مطرح می‌نماید و ارسطو با کامل کردن این تعریف فضا را مجموعه‌ای از مکان ها دانسته که ظرف تمام اشیاء است. وی فضا را با ظرف قیاس می‌کند و آن را جایی خالی می داند که بایستی پیرامون آن بسته باشد تا بتواند وجود داشته باشد و در نتیجه برای آن نهایتی وجود دارد. در حقیقت برای ارسطو فضا محتوای یک ظرف بود.

بعدها تئوری های مربوط به فضا براساس هندسه اقلیدسی بیان شد، به طوری که مشخصه تفکر یونانیان در مورد فضا در تفکرات اقلیدس یا هندسه اقلیدسی

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-24]

قابل مشاهده است . فضای اقلیدسی فضای یکسان، همگن و پیوسته ای بود که در آن برآمدگی یا انحنایی وجود نداشت و قابل اندازه گیری بود .

با ظهور دوره رنسانس، فضای سه بعدی به عنوان تابعی از پرسپکتیو خطی معرفی گردید که باعث تقویت برخی از مفاهیم فضایی قرون وسطی و حذف برخی دیگر شد. در قرون هفدهم و هجدهم، تجربه گرایی باروک و رنسانس، مفهوم پویاتری از فضا را به وجود آورد که بسیار پیچیده‌تر و سازماندهی آن مشکل تر بود.

دکارت از تأثیرگذارترین اندیشمندان قرن هفدهم، نقش عمده‌ای در دادن بعد کمی به فضا و مکان داشت. در سیستم مختصات راست گوشه او، همه سطوح ارزش یکسانی دارند و اشکال به‌عنوان قسمت‌هایی از فضای نامتناهی مطرح می شوند. تا پیش از دکارت، فضا تنها اهمیت و بعد کیفی داشت و مکان اجسام به کمک اعداد بیان نمی‌شد.

۱۸۰۰ سال بعد از ارسطو، کانت فضا را به‌عنوان جنبه‌ای از درک انسانی و متمایز و مستقل از ماده، مورد توجه قرار داد. او جنبه های مطلق فضا و زمان را در نظریهٔ نیوتن از مرحلهٔ دنیای خارجی تا ذهن انسان گسترش داد و نظریات فلسفی خود را براساس آن‌ها پایه گذاری کرد. به عقیده کانت، فضا و زمان مسایل مفهومی و شهودی هستند که دقیقاً در ذهن انسان و در ساختار فکری او جای دارند و از ارگان‌های ادراک محسوب می‌شوند.

هایدگر از فیلسوفان معاصر نیز در تبیین واژهٔ فضا بر این عقیده است که فضا به معنی جایی است که برای جای‌گیری آماده باشد. فضا به چیزی که یک محدوده و افق رهاست، جا می‌دهد. این تعریف از فضا می‌تواند تا حدودی با مفهوم مادی فضا و جایی که هنوز توسط اشیاء فضایی و مکانی صورت تحقق نیافته است، منطبق باشد. با این که تعریف دقیق و مشخص فضا دشوار و گاه ناممکن است، اما تعریف فضا متأثر از موقعیت مکانی شخص است و بنا به نقطه دید وی، فضا به صورت‌های مختلف قابل ادراک می‌باشد. معماری، اجتماعی‌ترین هنر انسانی است و حضور فضا در زندگی آدمیان از هنگامی‌که انسان صرفا به گردآوری خوراک می‌پرداخت یا در غارها زندگی می‌کرد تا حال حاضر لحظه‌ای غایب نبوده است. بشر نیازمند فضایی است که او را در مقابل تأثیرات محیط محافظت نماید. این نیاز که برگرفته از فطرت انسانی است از ابتدای زندگی تا به امروز تغییر چندانی نداشته است. معماری بر گرفته از چنین نیازی است و تجربه فضایی است که تمامی ارتباطات بر مبنای آن شکل یافته و سنجیده می‌شوند. فضای معماری به بیانی دیگر توصیف کالبدی فعالیت‌های زندگی انسان است. معماری، هنر به نظم در آوردن فضاست و انسان نمی‌تواند قبل از آن که افعال خود را منظم کرده و به زندگی خود سازمان دهد، فضا را به نظم در آورد. رابطهٔ انسان با فضای معماری رابطه‌ای مداوم است که بخش مهمی از زندگی او را در برمی‌گیرد. این رابطه پیچیده‌تر از رابطهٔ انسان با فضای هنرهایی مانند نقاشی و مجسمه سازی است، زیرا انسان فضای خانه و مسکن را هم از درون و هم از بیرون تجربه می کند. از این رو بعد از قرن ها، هنوز مسألهٔ اصلی معماری، فضا و زندگی و چگونگی ارتباط بین این دو است. اما این ارتباط از فرمول خاصی نتیجه نمی‌شود و به صورت الگویی از پیش تعیین شده وجود ندارد، بلکه باید آن را ایجاد نمود.

نتیجه

فضا جوهره اصلی خانه روستایی

مهم‌ترین خصوصیت فضای معماری که آن را از سایر حوزه های هنر متمایز می نماید جای دادن انسان در

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-24]

درون آن است. نقاشی دو بعدی است، مجسمه نیز با این که دارای سه بعد است، اما انسان سه بعد آن را از بیرون مشاهده و درک می کند. لیکن معماری با اینکه باید شبیه مجسمه‌ای بزرگ باشد اما درون آن خالی شده تا انسان در آن زندگی و آن را تجربه نماید. از این رو معماری فقط هنر یا تصویری از زندگی تاریخی یا در حال گذار نیست، بلکه جایی است که زندگی در آن جریان دارد. فضای مسکونی، بستر فعالیت های روزمره انسان است و رابطهٔ انسان با این فضا مدام و مستمر است و باید برای کسانی که در آن زندگی می کنند قابل فهم باشد. بر اساس آنچه تا کنون شرح داده شد: فضا، جوهره معماری است و عموم معماران آن را اصلی ترین جنبه و سرمنزلی تعریف می‌کنند که هدف نهایی معماری محسوب می‌شود.(گیدئون،۱۳۵۰) تعاریف مختلفی که از معماری ارایه شده بر اهمیت فضا در معماری تأکید می کنند، به طوری که هنر سازماندهی فضا، وجه مشترک اکثر آن‌هاست. به عبارت دیگر موضوع اصلی مسکن روستایی باید این باشد که چگونه فضا با استفاده از انواع مصالح و روش های مختلف، به صورت خلاقانه سازماندهی شود[۴].

از دیدگاه تاریخی بخش مهمی از تحول معماری و به تبع آن معماری روستایی در دوره های مختلف، نشأت گرفته از دگرگونی مبانی تنظیم و تدوین فضا بوده است. این ویژگی را می‌توان در روش های متفاوت سازماندهی فضاهای مسکونی در معماری روستایی مناطق مختلف کشور مشاهده نمود. نگاهی به تاریخ معماری ملل در قرون گذشته نیز بیانگر این واقعیت است که عامل ایجاد تحولات اساسی در معماری، دگرگونی روش های سازماندهی فضایی و نه تغییر در سلیقه و زیبایی شناسی بوده است[۵]. معماری در همهٔ اعصار با روشنایی، زمان، تنوع، خلوص، سبکی و سنگینی، چند ارزشی بودن، و غنای فضا و این قبیل مفاهیم همراه بوده است و برای تحقق این مفاهیم از مواد، روش ها و فنون اجرایی مختلف استفاده کرده و هیچگونه سختگیری در کاربرد روش ها و مصالح اعمال ننموده است. از این رو مقولهٔ فضا همواره مهم‌ترین ویژگی معماری بوده است.

هر چند مؤلفه های مختلف اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، عملکردی و ساختمانی از دیگر عوامل مهم و لازم برای شکل گیری معماری هستند، اما برای تشخیص ارزش های معماری کافی نبوده و خمیر مایه و جوهرهٔ معماری همواره فضا و ایجاد تجربه فضایی بوده است. به‌عنوان مثال هر قدر نمای مسکن و خانه روستایی زیبا باشد، اما همانند پوسته ای است که در درون خود گوهر گرانبهای معماری یعنی فضا را محصور نموده است.

ممکن است روی این پوسته با ظرافت و مهارت منقوش یا کنده کاری شده و یا با سلیقه‌ای خاص تزئین گردیده باشد، اما در هر حال مجموعه‌ای از پوسته هایی است که فضایی سه بعدی را به‌وجود آورده و آنگاه معماری است که می‌بایست محتوای آن یعنی فضای درون بنا را به‌خوبی شکل داده باشد. بنابراین کلید فهم خانه روستایی وابسته به شناخت فضاست و از این طریق است که باید فضای مطلوب و دلنشین برای زندگی روستایی بوجود آورد. گرچه خانه‌های بومی روستایی طبق فرهنگ و رسوم محلی شکل گرفته اما شکل و سازماندهی این خانه‌ها اتفاقی و بر حسب تصادف نبوده بلکه در کنار پاسخگویی به نیازها و احتیاجات انسانی تصور فضایی روستائیان نقش بسیار تعیین کننده‌ای در شکل گیری آن‌ها داشته است.

یادداشت‌ها

۱. کشورهای مختلف آستانه جمعیتی خاصی برای تمایز شهر و روستا دارند. مثلاً در ایران سه آستانه جمعیتی بر اساس

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-24]

تراکم جمعیت در مناطق مختلف کشور برای تمایزشهر از روستا وجود دارد. این آستانه در مناطق با تراکم جمعیتی کم ۲۰۰۰ نفر، مناطق با تراکم متوسط ۵۰۰۰ نفر و در مناطق با تراکم جمعیتی زیاد ۱۰۰۰۰ نفر است.

۲. Phenomenology
۳. phenomenon

٤. به عقیدهٔ برونو زوی(Bruno Zivi) معماری هنر ساختن فضا است. از دیدگاه اگوست پره (Auguste Perret) معماری هنر سازماندهی فضاست که این هنر از راه ساختمان بیان می‌شود.

۵. به همین دلیل است که نیکولاس پوزنر تاریخ معماری را تاریخ شکل گیری فضا به دست انسان می داند.

منابع

– اشرف، احمد. ویژگی‌های شهرنشینی در ایران. نامه علوم اجتماعی، دورهٔ اول، شمارهٔ ٤.تهران، دانشکده علوم اجتماعی و تعاون، ۱۳۵۳.

– بدران، راسم. کارگاه فهم معماری ایران: پنجره ای به گرگان. مرکز رویدادهای معماری ایران(وابسته به فرهنگستان هنر. گرگان، دوم تا ششم آبان ۱۳۸۹.

– پرتوی، پروین. پدیدار شناسی مکان. تهران، انتشارات فرهنگستان هنر،۱۳۸۷.

– حبیبی، سید محسن. از شار تا شهر. دانشگاه تهران، ۱۳۷۵.

– دارتیک، آندره. پدیدار شناسی چیست. محمود نوالی. تهران، سمت،۱۳۷۳.

– دورانت، ویل. مشرق زمین گاهواره تمدن. احمد آرام، ع پاشایی، امیرحسین آریان پور. علمی فرهنگی، ۱۳۷۸.

– سرتیپی پور، محسن. آسیب شناسی معماری روستایی: به سوی کالبد مطلوب. دانشگاه شهید بهشتی؛ بنیادمسکن انقلاب اسلامی.تهران، هوشمند، A ۱۳۸۸.

– سرتیپی پور، محسن. گونه شناسی مسکن روستایی استان مرکزی. معاونت پژوهشی و فناوری دانشگاه شهید بهشتی؛ تهران، ۱۳۸۹.

– سرتیپی‌پور، محسن. شاخصهای معماری مسکن روستایی در ایران. مجله هنرهای زیبا، شماره ۲۲، دانشگاه تهران، ۱۳۸٤.

– سرتیپی پور، محسن. "روستا: سکونتگاه مطلوب". فصلنامه مسکن و محیط روستا. شماره ۱۲۳، پاییز۱۳۸۷ .

– سرتیپی پور، محسن. خانه‌های روستایی ایران. بنیاد مسکن انقلاب اسلامی. تهران، B ۱۳۸۸.

– سرتیپی پور، محسن. مصالح در ساختمان و معماری.تهران، دانشگاه شهید بهشتی،C ۱۳۸۸.

– گیدئون، زیگفرید. فضا، زمان و معماری. ترجمه منوچهر مزینی. تهران، بنگاه ترجمه ونشر کتاب، ۱۳۵۰.

– لنگ، جان. آفرینش نظریه معماری. علیرضا عینی فر. دانشگاه تهران، ۱۳۸۱.

– مکارم شیرازی، ناصر. تفسیر نمونه. تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷٤.

– موگروئر، روبرت. تفسیر محیط به روش‌های سنتی، ساختار زدایی و هرمنوتیک. منوچهر طبیبیان. دانشگاه تهران، ۱۳۸۰.

– نوربری شولتز، کریستیان. مفهوم سکونت: به‌سوی معماری تمثیلی. محمود امیریاراحمدی . آگه؛۱۳۸۱.

– هایدگر، مارتین. سکونت کردن، برپاداشتن، تفکر کردن. پرویز ضیاء شهرابی. تهران، سروش، ۱۳۸۱.

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-24]